اهمیت اطلاق سعی در تحلیل مبادی حکم

شاگرد: جزء تکلیفی را داخل در مرکب اعتباری می‌دانید؟ یعنی در ناحیه مسمی، نه جزء الفرد.

استاد: ذهن من ابائی ندارد که بدانیم. لذا عرض کردم گاهی ظرف، برای آن امر قید است، لذا جزء تکلیفی می‌شود. اما گاهی ظرف، تنها ظرف است. قیدیت ندارد. حال باز هم به مواردش می‌رسیم.

شاگرد: در جزء الفرد اشکالی که آقایان دارند، این است: در مرکباتی مثل بدن چون خود زید در خارج تشخص پیدا می‌کند، همان باعث می‌شود که آن لوازم و ماهیت نیز با آن تشخص پیدا کند، لذا مشکلی ندارند که فرض کنند چیزی جزء فرد باشد وبعد جزء ماهیت باشد. اما نسبت به امور اعتباری مشکل این است که جزء الفرد که می‌گوییم تشخص ندارد. این جزء فرد را توضیح می‌دهید؟ یعنی اوالً برای آن یک مرکب اعتباری فرض می‌کنید؟

استاد: همین فرمایش شما در مقصود از جزء الفرد در مانحن فیه تأییدی برای این است که ...؛ جلوتر عرض کردم تفاوت گذاشتن در اطلاق خیلی پر فایده است. اطلاقی که الآن در اصول متعارف است، اطلاق بدلی، احوالی، شیوعی است، و حال اینکه جای اطلاق سعی خالی است. چرا؟ چون ریخت اطلاق در متعلق امر که هنوز موجود نیست و ما می‌خواهیم آن را موجود کنیم، تفاوت دارد با اطلاق در افرادی که خداوند آفریده و در موضوع حکم هستند. اطلاق «اکرم العالم» در متعلق المتعلق و موضوع حکم، همه قید شیوعی دارد. افرادی هستند که خدا آفریده است و در اینها شیوع دارد. در اصول، اطلاق در متعلق حکم به اطلاق شیوعی تشبیه شده است. و بر آن آثاری هم بار شده است. ولی اگر این دو تفاوت پیدا کند، چه بسا آثاری دارد.

در اینجا هم همینطور است. یعنی اگر بحث ما سر ناحیه موضوع است، هنوز فرد صلات که موجود نیست، می‌خواهیم صحبت کنیم. می‌گوییم: ای مصلای که قرار است بعداً به امر صلات فرد نماز را ایجاد کنی، بر تو مستحب است که در حین نماز جماعت ذکر بگویی؛ ای مستحب است که خودت در مواضعی ذکر بگویی. ما الآن قبل از وجود فرد، داریم امر مستحب را می‌گوییم. و لذا همینی که شما فرمودید، در اینکه هنوز صلات موجود نیست و می‌خواهیم حکم استحباب بیاوریم، این جزء الفردی است که با جزء الفردی که موجود است فرق می‌کند. در اینجا باید جدا صحبت کنیم. فلذا اگر در اینجا گفتیم ذکر گفتن استحباب تکلیفی دارد، این استحباب تکلیفی - درصورتیکه معقولیت آن را بپذیریم - بدون اینکه در ماهیت صلات دخالتی کند، درعین‌حال یک وصفی، قبل الفرد و الوجود است. لذا در اصول تقسیمات اولیه و تقسیمات ثانویه داشتیم. تقسیمات بعد الامر و تقسیمات قبل الامر. همینجا هم تقسیماتی بعد الوجود و تقسیماتی قبل الوجود داریم. به نظرم در بحث صحیح و اعم هم اینها مطرح است. علی ای حال باز هم به آنها می‌رسیم. هر چه هم بیشتر روی آنها تأمل شود فایده دارد.

بازبینی #1
ایجاد شده 3 مه 2026 15:22:59 توسط ... .
به روزرسانی شده 3 مه 2026 15:23:30 توسط ... .